



# انترناسیونال

## ۲۴۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۸۷، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی

## یک هفته تاریخی

### از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه

## اسطبل اسلامی اوژیاس

### از اسطوره تا واقعیت



شهلا دانشفر

پیشروی های مهمی است که مبارزات کارگران نیشکر هفت

صفحه ۴

یک ماه ونیم از اعتصاب و مبارزه با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه میگذرد و این اعتراضات همچنان ادامه دارد. در هفته ای که گذشت ما شاهد اتفاقات مهمی در حرکت اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه بودیم که گذشت ما شاهد تجمعات چند هزار نفره این کارگران، تجمعاتی که با حمایت گسترده مردم همراه بود، جاده بستن ها و بلندتر شدن فریاد اعتراض این کارگران بودیم. اینها همه و همه



محسن ابراهیمی

اسلام سیاسی در ایران هم قطعا لایروبی خواهد شد اما با سیل خروشان انقلاب مردم.

بعد از ۳۰ سال حاکمیت سرمایه داری اسلامی، تعفن این نظام همه گوشه و کنار این جامعه را فرا گرفته است. ۳۰ سال است تعداد زیادی انسان از بوی گند فساد سرمایه داری اسلامی رنج میبرند. ۳۰ سال است سرکردگان سرمایه داری اسلامی روی شانه های خمیده و کمرهای شکسته میلیونها انسان شریف کاخ بریا میکنند و پول پارو میکنند و عدالت اسلامی پیاده میکنند. ۳۰ سال است که مشتی مفتخور گردنه بگیر اسلامی روی دوش مردم زحمتکش بساط دلالتی و قاچاق و دزدی و چپاول پهن کرده اند. ۳۰ سال است که هزار فامیل سرمایه داری

صفحه ۲

اسطبل اوژیاس، محل نگهدای ۳۰۰۰ گاو بود که به مدت ۳۰ سال تمیز نشده بود. کثافت، این اسطبل را فرا گرفته بود و به شهر هم سرازیر شده بود. هرکول، پهلوان افسانه ای یونان، سد دو رودخانه عظیم مشرف بر این اسطبل را در هم شکست و با سیل این رودخانه ها آن را لایروبی کرد. لجنزاری که ۳۰۰۰ گاو به مدت ۳۰ سال برجای گذاشته بودند نهایتا پاک شد اما با سیل خروشان دو رودخانه عظیم.

طوبله اوژیاس و هرکول متعلق به یک اسطوره باستانی یونانی است. اما طوبله اسلامی اوژیاس که ۳۰ سال پیش با معماری مشترک دول غرب و طبقات حاکم در ایران بر پا شد متعلق به سرمایه داری در قرن بیست و یک است. تنها وجه مشترک آن طوبله و این طوبله در این است که در هر دو به مدت ۳۰ سال لجن و کثافت لایروبی نشده بود. اما نه کثافتی که سرمایه داری اسلامی بر جای گذاشته قابل مقایسه با طوبله اوژیاس است و نه هیچ فرد پهلوانی میتواند این طوبله را به تنهایی لایروبی کند. اگر اسطبل اوژیاس با سیل خروشان دو رودخانه عظیم لایروبی شد، اسطبل

## کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده هایشان

### جاده اهواز اندیمشک را بستند

### کارگران نیشکر هفت تپه

### سندیکای خود را تشکیل دادند

صفحات ۷ و ۸

## جوانمیر مرادی و طاها آزادی آزاد شدند

صفحه ۷

## جلسات گفتگو با حمید تقوایی

نقش حزب و حزبیت در مبارزه بر سر قدرت سیاسی!  
بحثی در مورد ضرورت و مطلوبیت حزب  
در جنبش سرنگونی طلبانه مردم

صفحه ۸

## دعوا بر سر نوکری

یاشار سهندی

صفحه ۵

یک دنیای بهتر  
برنامه حزب را بخوانید  
و در سطح وسیع توزیع کنید

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ اسطبل اسلامی اوژیاس

## از اسطبل اسطوره تا اسطبل واقعی

مردمی که به مدت سی سال شب و روز و مستقیماً بوی تعفن حکومت اسلامی را در همه وجوه زندگیشان استشمام کرده اند، قطعاً برای پی بردن به عمق تعفن نیازی به افشاگری خودیهای نظام ندارند. اما این خود افشاریها، این انگشت اتهام به همدیگر دراز کرده‌ها، این اعترافات به جرایم همکاران و هم مسلکان، این کاری که پالیزدار به خیالش برای آب پاک ریختن بر سر هم پاندهایش، بر سر احمدی نژاد و خامنه ای کرده است کار همان مردم برای رهایی از این گنداب را هموار تر میکند.

ویژگی این افشاگری این است که یکی از میان خودشان، یکی از خودیها که البته پشت آیت الله های "افشا نشده" نماز میخواند، فقط به گوشه ای از فاضلاب اسلامی سرمایه داری، به آن گوشه ای که گویا فقط آیت الله های رقیب در آن می پلکنند چوب دراز کرده است و آنچنانکه انتظار میرفت بوی گند کل نظام فضا را آلوده تر کرده است و این کار قطعاً یک قدم دیگر مردم را برای لایروبی نهایی این فاضلاب نزدیکتر کرده است. وقتی مردمی که محتاج نان شیشان هستند و هر کدام صدها بار دست کثیف دزدان اسلامی را در محل کار و زندگیشان دیده اند به تصویر پالیزدار خیره میشوند، بی تردید در این تصویر چهره همه دست اندرکاران نظام را میبینند. نفرتشان از کل نظام عمیقتر میشود؛ عجله شان برای ویران کردن این عمارت سراپا چرکین بیشتر میشود. معلوم میشود که این نمایندگان خدا در زمین در این سی سال حتی یک روز بیکار ننشسته اند. از همان وقت که در کنفرانس گوادولوپ حکومت را از نظام سلطنتی تحویل گرفته اند و با ترکیبی از ارتجاعی ترین ایدئولوژی و مدرنترین ابزارهای شکنجه توانسته اند نسل انقلاب کرده، نسلی از پیشروترین انسانها را سلاخی کنند، بساط چاپیدن را شروع کرده اند. متوجه میشوند که روسای جمهور و وزرای دولت و وکلای مجلس و قضات شرع و امامان جمعه و خبرگان اسلامی و معلمین اخلاق و روسای سپاه و شکنجه گران

اسلامی، مدیران فاسد صنعت چرکین مذهب، یعنی همان آیت الله های لمپن نمازخوان و خداشناس متعلق به سازمان مافیایی اسلام، محصول رنج و زحمت میلیونها کارگر را به یغما میبرند. و ۳۰ سال است که زیر سلطه این شیادان حرفه ای سنگدل و قاتل، میلیونها انسان در فقر و فلاکت و بیحقوقی و گرسنگی رنج میبرند. ۳۰ سال است که به برکت حکومت عدل الهی، تعداد زیادی به نان شبشان محتاجند. این حقیقت زندگی روزمره میلیونها کارگری است که حتی دستمزد ناچیزشان توسط نمایندگان سرمایه و اسلام همه روزه بالا کشیده میشود.

بارها گفته ایم که آنگاه که انقلاب مردم گوش مفتخوران اسلامی حاکم را بگیرد و به پای میز محاکمه بکشاند، آنگاه که اینها در مقابل جنایات خود اعتراف کنند، آنگاه که با زبان خود از اعماق چرکین و خونین صنعت اسلام پرده بردارند؛ مردم جهان از شنیدن ابعاد غیر قابل باور جنایات و ابعاد خیره کننده فساد اینها به زبان خودشان مو بر نتشان سیخ خواهد شد. اما هنوز انقلاب مردم اینها را به پای میز محاکمه نکشیده است؛ هنوز فقط سایه آن انقلاب پدیدار شده است؛ هنوز فقط از ترس همین سایه انقلاب تعداد محدودی از میان خودشان دهن باز کرده اند و از گوشه های گندابشان پرده برداشته اند و شرکای جرمشان را معرفی کرده اند؛ و همین کافی است تا معلوم شود پشت این دیواری که با خشتهای الله اکبر برپا کرده اند چه فسادی برپاست. افشاگری این هفته توسط یکی از شرکای جرم که تازه افشاگری در باره بخشی و گوشه ای و به اصطلاح دسته و جناحی از این جانیان است نشان میدهد که فساد اقتصادی چه ابعاد عظیمی دارد. نشان میدهد که اینجا دیگر فقط استثمار سرمایه داری نیست که بر پاست. اینجا در متن یک نظام طبقاتی استثمارگر، شبکه ای سازمانیافته از لاشخوران اسلامی هستند که در یک دست قران و در دست دیگر تفتنگ بر جان و زندگی مردم افتاده اند و بساط بچاپ بچاپ و بخور بخور راه انداخته اند.

زندانیها، یعنی همه دم و دستگاه اسلامی حاکم، در هیئت یک لاشخور قهار چنگالشان را بر روی ثروت اجتماعی مردم انداخته اند و دست در دست هم تا توانسته اند چاپیده اند و دزدیده اند و بالا کشیده اند و هرکدام تکه ای برده اند و هنوز هم میبرند که البته با هر تکه اش میتوانند زندگی صدها هزار کارگر را یک جا بخرند.

در افشاگری پالیزدار که مثلاً در خوش خدمتی برای یک باند و افشای بانندی دیگر انجام شده است همه رقم آیت الله و وزیر و وکیل سابق و جاری وجود دارند که در ۳۰ سال گذشته تار و پود کل دستگاه حکومت اسلامی را بهم بافته اند. یکی معادن سنگ فارس و زنجان را زیر نگینش دارد. ایشان آیت الله امامی کاشانی است؛ عضو شورای نگهبان است؛ امام جمعه تهران است. یکی کارخانه لاستیک دنا را بالا کشیده است. ایشان آیت الله یزدی است؛ رئیس سابق قوه قضاییه است؛ دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است؛ عضو شورای نگهبان است؛ عضو مجلس خبرگان است. (و البته ایشان با یک نیت خیر صد در صد اسلامی به این دزدی دست زده است. میخواستند برای خواهران در قم دانشگاه قضایی اسلامی راه بیندازد تا خواهران از روزگار عقب نمانند! اما از بد روزگار و از سر نیاز مجبور شده است این کارخانه را در معاملات بورس بفروشد!) همین آیت الله به جنگلهای شمال هم دست درازی کرده است و البته باز هم نیت خیری داشته است. میخواستند برای آقازاده جگرگوشه اش شغلی دست و پا کند و در تجارت و صادرات و واردات چوب دستش را بند کند که یک دفعه خانواده اش گرسنه نمانند! فراموش نکنید که مردم زحمتکشی که در اطراف این جنگلهای زندگی میکنند به خاطر تهیه هیزم زمستانشان از این جنگلهای به عنوان دزد در دادگاههای همین دزدان حرفه ای به زندان محاکمه میشوند. (ناگفته نماند که این زحمتکشان با مقاومت و اعتراضشان مشت محکمی به دهان این اراذل زده اند). تعدادی دیگر ماشینهای کارخانه ایران خورد رو مفت و مجانی بالا کشیده اند. اینها چه کسانی هستند؟ اینها قضات محترم قوه قضاییه هستند

که شغلشان جاری کردن شریعت اسلام است. اینها دست اندرکاران بنیاد نهج البلاغه هستند. بنیادی که محل ولگردی علی اکبر ناطق نوری و محسن رفیق دوست و حبیب الله عسگر اولادی و حسین دین پرور و حجت الاسلام معزی است. اینها چه کسانی هستند؟ ناطق نوری رئیس بازرسی ویژه دفتر آیت الله خامنه ای است، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. حجت الاسلام معزی معاون رئیس رفیق دوست وزیر سابق سپاه پاسداران، سرپرست بنیاد مستضعفان، یکی از دلان معاملات دارو دلال مناقصه های نفت و گاز و برج ساز معروف است. حاج حبیب الله عسگر اولادی افتخار خدمت به اسلام و مسلمین را در مقام وزیر بازرگانی، عضو شورای کمیته امداد، صندوق تعاون صنفی، رئیس سازمان اوقاف، دبیرکل هیئت مؤتلفه، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگی ولی فقیه در کمیته امداد امام خمینی را داشته است. در بالا کشیدن ماشینهای خودرو روسای بیناد "همگرایی اندیشه" (!) هم سهیم بوده است. بنیادی که متعلق به حجت الاسلام فلاحیان و آیت الله اعلم است. اینها چه کسانی هستند؟ فلاحیان وزیر اسبق اطلاعات است. آیت الله علم الهدی امام جمعه "حجاب پرور" مشهد است. لیست همچنان ادامه دارد. دزد دیگری معادن بزرگ خراسان را زیر نگینش دارد. ایشان آیت الله واعظ طبسی هستند. دزد بعدی قاچاقچی بزرگ فرودگاه پیام است که هزار و صد پرونده قاچاق کالا زیر بغل دارد اما هنوز "نظام موفق به بازداشتش نشده است"؛ چرا؟ چون تحت الحمایه آیت الله ناطق نوری است. دزد بعدی قبول کرده است در راس مافیای ناقابل شکر قرار گیرد. ایشان آقای مدلل، داماد و از بستگان نزدیک آیت الله های گردن کلفتی مثل مصباح یزدی و مکارم شیرازی هستند. ایشان حاضر بوده اند ۷۰۰ میلیارد تومان برای مخومه شدن این پرونده بپردازند. و بالاخره خانواده ای بسیار متدین و نمازخوان یک سوم جزیره کیش را در اختیار دارد؛ پارک جنگلی چیتگر را تصرف کرده است؛ دست اندرکار

معاملات نفتی است؛ و این خانواده محترم رفسنجانی است از عمه خانم و آقا مهدی گرفته تا دختر حضرت آیت الله که فقط هزینه هندوانه مصرفی اسطبل اسب هایش روزی ۱۰۰ هزار تومان است! و خیلی از این دزدیها زیر نظر سر دزد دیگری به نام آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضاییه اسلامی انجام گرفته است. و تازه این دزدیهای ناقابل فقط گوشه ای کوچک از جیب بری ۳۰ ساله بخشی از سران نظام است!

فقط روی دو مورد اندکی خم شوم.

تصور کنید دامنه دزدی داماد عزیز یکی از آیات خدا در زمین چقدر بوده است که تنها برای ماست مالی پرونده اش میتواند ۷۰۰ میلیارد تومان به باج گیران قوه قضاییه رشوه بدهد. ۷۰۰ میلیارد تومان؟ ماشین حسابتان را بردارید و کمی با این رقم بازی کنید. ۷۰۰ میلیارد تومان را بر در آمد ماهانه یک کارگر تقسیم کنید. چند برابر در آمد ماهانه یک کارگر است؟ ۷ میلیون برابر. یعنی رشوه ای که یکی از خدمتکاران مافیای اسلامی برای مخومه شدن پرونده اش میپردازد ۷ میلیون بار بیشتر از در آمد یک ماه یک کارگر است که تازه آن را هم سرمایه داران باجگیر آخر هر ماه بالا میکشند. فقط با رشوه این داماد گرامی میتوان تعداد زیادی مدرسه و بیمارستان و مهد کودک ساخت. فقط با همین رشوه میتوان حقوق معوقه هزاران کارگر را که به خاطر همسران و کودکانش شبها گرسنه سر به بالین میکشانند پرداخت. فقط با همین رشوه میتوان هزاران هزار خانواده را صاحب سر پناه کرد و ...

معلوم شده است پول هندوانه مصرفی اسطبل اسب های دختر هاشمی رفسنجانی روزی ۱۰۰ هزار تومان است. دختر چهارمین رئیس جمهور اسلامی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دارد هر ماه معادل ۳ میلیون تومان هندوانه برای سرحال نگهداشتن اسبهای اسطبلش به آنها میریزد. دستمزد ماهانه یک کارگر چقدر است؟ ۱۳۰ هزار تومان. هزینه روزانه اسبهای این شاهزاده اسلامی تقریباً

## از صفحه ۲ اسطبل اسلامی اوژیاس

مساوی است با در آمد يك ماه يك کارگر در ایران. می بینید که ترکیب سرمایه داری و صنعت مذهب چه قدرت شگرفی در سازمان دادن فساد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دارد؟ می بینید که اسطبل اسطوره ای اوژیاس حتی انگشت کوچک اسطبل واقعی ای که صنعت مذهب و سرمایه داری باهم بر پا کرده اند هم نمیشود.

## لایروبی نهایی این اسطبل!

آیا این يك جنگ جناحی است؟ آیا این يك جنگ قدرت است؟ آیا این افشاگرهای به اصطلاح جناحی میتوانند سر مردم را در قبال جناحی از حکومت اسلامی شیره بمالد؟ آیا این خودافشاگری ها میتواند دزدانی از نظام را جلو بیاندازد و کل نظام را نجات دهد؟

این اتفاق هر دلیلی داشته باشد نتیجه اش يك چیز است. مردم بیشتر به این حقیقت شناخته شده پی میبرند که سگان زرد در حکومت اسلامی برادران شغالها در همین حکومتند؛ که از سر تاپای این حکومت فساد و لجن میبارد؛ که راست و سنتی و اصولگرا و خط امامی و اصلاح طلب و دگر اندیش در نظام اسلامی سر و ته يك کرباسند؛ که خامنه ای و خاتمی و رفسنجانی و ... شرکای جرم همدریف در این لانه فساد هستند؛ که اینها از هر باند و دسته باشند متعلق به يك شبکه سازمان یافته فساد اقتصادی و سیاسی هستند؛ که نجات مردم فقط در گرو از هم پاشاندن کل این شبکه و ویران کردن کل این نظام است.

جالب است. خوب دقت کنید. ظاهرا باندی از درون حکومت باندهای دیگر را افشا کرده است. آنها هم با این تصور و تخیل که گویا دارد به رهبر و رئیس جمهور اسلامی خدمت میکنند. چه تصور سفیهانه ای! اولاً، احمدی نژاد و خامنه ای منفرتر از آن هستند که پشت عکس چهره های منفور دیگر قایم شوند. ثانیاً در همین افشاگری به اصطلاح جناحی، گله ای از دانه درشتهای اسلامی ریش تا ریش بغل هم چیده شده اند که در همه نهادهای

اصلی حکومت دست اندرکار بوده اند. و ثالثاً، از نظر مردم حالا که با افشاگری يك باند اینمه فساد و فاسد رو آمده اند، اگر همه این باندها همدیگر را افشا کنند دیگر چه خبری خواهد شد!

این اتفاق حتما انعکاسی از کشمکش جناحی و باندی و فرقه ای درون حکومتی است. اما جنگی برای قدرت و از سر قدرت نیست. جنگی از سر استیصال است. جنگ ویرشکنندگان است. جنگ درونی ضد انقلاب از ترس سایه انقلاب است. تقلایی برای فرار از چنگ مردم است. نشانه ای از استیصال کل حکومت اسلامی است. نشانه ای از پیشروی مردم است. علامت جدی ای از سست شدن خشتهای عمارت اسلامی است. نشانه ای جدی از بحران آخر حکومت اسلامی است. نشانه ای جدی از آغاز يك پایان است؛ پایان سلطه مافیایی سیاسی و اقتصادی به نام حکومت اسلامی. شبح آتروزی که مردم کل این دستگاه فساد اسلامی را در هم بکوبند اینها را به این حال و روز انداخته است. مجبورشان کرده است انگشت اتهام به سمت برادران و خواهران اسلامیشان بگیرند.

همیشه این چنین بوده است. وقتی سران يك حکومت همدیگر را متهم میکنند؛ وقتی شرکای جرم تقصیر را به گردن هم جرمهاشان می اندازند؛ وقتی مجرمین زیر پای هم را خالی میکنند؛ وقتی حاکمین ادای اپوزیسیون خودشان را در میاورند؛ همه این اتفاقات "عجیب" نشان میدهد که قبلاً اتفاق دیگری رخ داده است. نیروی انقلاب پیشروی کرده است؛ موقعیت کل حکومت تضعیف شده است؛ گاری حاکمیت به سرازیری افتاده است که چنین پدیده هایی را از خود بروز میدهد. البته چنین تقلاهایی نه تنها نتوانسته است سدی در مقابل سقوط برپا کند بلکه برعکس سقوط را تسریع کرده است. راه مردم را هموارتر کرده است؛ زمینه تعرض بعدی مردم را مساعدتر کرده است. و از نقطه مقابل، هر چقدر اعتراض مردم وسیعتر و رادیکالتر و خطرناکتر شده است، این پدیده های "عجیب" مکرر تر رخ داده اند و گسترده تر و حادث شده اند؛ باندهای

حاکم بیشتر اپوزیسیون خود و همدیگر و حکومتشان شده اند؛ سران طبقه حاکم بیشتر به جان هم افتاده اند و بیشتر جنایات و مفاسد و دزدیهای همدیگر را افشا کرده اند و بیشتر زیر پای همدیگر و نهایتاً زیر پای کل حکومتشان را خالی کرده اند. و بازهم این زنجیره تاثیر متقابل فرجه را برای تعرض بیشتر و رادیکالتر مردم آماده تر کرده است؛ اوضاع را برای تبدیل سایه انقلاب به خود انقلاب مساعدتر کرده است. این زنجیره کشمکش متقابل انقلاب و ضد انقلاب فقط با تعرض نهایی انقلاب بسته میشود.

اگر از دست دارو دسته اسلامی حاکم فقط يك کار بر می آید که به نفع مردم و انقلابشان باشد همین يك قلم کار است که نمونه اش را پالیز دار انجام داده است. برای مردم چه فرصتی مساعدتر از این میتواند باشد که عکاسی از میان خود حکومت از چنگالهای خونین برادران و خواهران اسلامیش عکس بگیرد و در ملا عام به نمایش بگذارد؛ که حکام اسلامی خودشان علناً اعلام کنند که هیچ گونه مشروعیتی ندارند؛ که حاکمین با دست خودشان راه را برای پیشروی مردم هموار کنند و فرجه باز کنند. از این فرصت و از این فرجه باید بیشترین استفاده را کرد و بیشترین تعرض را به این دزدان حرفه ای اما سرگردان و سراسیمه و ره گم کرده سازمان داد. فقط يك هزارم قلم از همین فساد که توسط خود اینها برملا شده است کافی است تا در يك کشور پیشرفته وزرا و وکلا عزل شوند و دولتها سقوط کنند. باید این عکسها را تکثیر کرد و در مقابل مردم جهان گرفت و اعلام کرد حکام اسلامی از دم دزد و فاسد هستند. باید از مردم جهان خواست که دولتها و نهادهای جهانی را مجبور کنند به حکام اسلامی به عنوان مجرمین برخورد کنند؛ که حکام اسلامی به عنوان جنایتکاران فاسد، دزدان ثروت مردم تحت تعقیب بین المللی باشند و در دادگاههای بین المللی محاکمه شوند.

حکومت اسلامی با خود افشاگری سران خود عملاً به حلقه ای شکننده آویزان شده است. به دور تف سربالا انداختن افتاده است. باید مجبورشان کرد به حلقه شکننده تر

## فراخوان به تجمع در گرامیداشت یاد جانبختگان سال ۶۰ در کنار رودخانه ماین در فرانکفورت آلمان گرامی باد یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم!

در گرامیداشت یاد هزاران جانبخته راه آزادی و سوسیالیسم که در جریان قتل عامهای سال ۶۰ توسط جمهوری اسلامی دستگیر و در محاکمات فرمایشی به اعدام محکوم شده و جان خود را از دست دادند،

برای زنده نگه داشتن یاد و راه و استقامت و مبارزات پرشور این عزیزان درویناروسی با جانیمان اسلامی سرمایه، برای تاکید صدها باره این واقعیت که این عزیزان در راهی جنگیده و جانبخته اند که راه رهایی مردم ایران از شر نکبت اسلام و حکومت اسلامی است، و در محکومیت جنایات و وحشیگریهای رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب مبارزات مردم ایران و برای رساندن صدای اعتراض و مبارزات برحق مردم ایران بر علیه حکومت اعدام و زندان و سنگسار و شکنجه به گوش جهانیان و افشاگری بر علیه جانیمان اسلامی سرمایه،

### جمعه ۲۰ ژوئن بعد از اتمام برنامه نمایشگاه عکس و میز کتاب

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران کمیته فرانکفورت ۱۸ ژوئن ۲۰۰۸

بعدی آویزان شوند. باید تعرض را بیشتر کرد و مجبورشان کرد نه تنها بیشتر دست همدیگر را رو کنند و بیشتر به جان هم بیافتند بلکه حتی به لحظه ای برسند که برای نجات رژیم از هم قربانی بگیرند و همدیگر را دستگیر کنند. وقتی ضد انقلاب اسلامی شروع میکند رسماً و علناً فرزندان خلف خود را بخورد، وقتی شروع میکند بخشی از خود را قربانی کند تا کل نظامش را نجات دهد، یعنی عملاً به آخر خط رسیده است. یعنی لحظه تعرض نهایی مردم نزدیک شده است. یعنی لحظه ای فرارسیده است که مردم دیگر میتوانند با دست خود گوش این گانگسترها از هر جناح و فرقه و باند، گوش افشاگر و افشا شده را باهم بگیرند و کنار هم بچینند و برای همیشه به حیات تنگین این شبکه گانگستر اسلامی پایان دهند. یعنی لحظه ای فرارسیده است که دیگر هرکول انقلاب میتواند اسطبل اسلامی اوژیاس را با سیل خروشان انقلاب لایروبی کند.\*

## از صفحه ۱ یک هفته تاریخی از ...

تپه را به سنگر مهمی برای کل جنبش کارگری و اعتراضات امروز در جامعه تبدیل کرده است. با هم به این اتفاقات نگاهی بیندازیم:

**کارگران نیشکر هفت تپه سندیکای خود را تشکیل دادند**

یک خواست مهم کارگران نیشکر هفت تپه در طول مبارزاتشان، ایجاد تشکل واقعی خود و تشکیل سندیکا بود. و امروز این کارگران به قدرت مبارزات متحد شان این خواست را متحقق کرده اند. تشکیل سندیکای نیشکر هفت تپه یک پیروزی مهم برای این کارگران و کل کارگران در ایران است. این پیروزی را به کارگران نیشکر هفت تپه تبریک میگویم.

کارگران نیشکر هفت تپه در بیانیه ۶ ماده ای اعتراضات سال گذشته شان اعلام کردند که ما حق خود میدانیم که هر هفته جمع شویم و مجمع عمومی مان را تشکیل دهیم و خودمان در مورد شرایط کارمان تصمیم بگیریم و بدین ترتیب نزدیک به یکسال است که این کارگران برای ایجاد تشکل خود تلاش و مبارزه میکنند. در ادامه این تلاشها و فشار آوردنشان به مقامات مختلف اداره کار و دولت بود که از آنها خواسته شد تا برای ایجاد تشکل خود، امضای بیش از هزار نفر از کارگران را داشته باشند و کارگران در مدتی کوتاه با دو هزار و پانصد امضا بازگشتند و با این کار خود صف متحد خود را به نمایش گذاشتند. بخاطر همه این پافشاری ها همواره رهبران کارگران نیشکر هفت تپه مورد تهدید و پیگرد و دستگیری و زندان قرار گرفتند. اما کارگران از پای ننشستند و سرانجام وقتی فرماندار شوش زیر فشار کارگران گفت که شما میتوانید سندیکا تشکیل دهید بشرط این که نمایندگان آن مورد تایید ما باشد، کارگران زیر بار این حرفها نرفتند و سرانجام در ۲۴ خرداد در تجمعی که برپا کرده بودند طی نامه ای اعلام موجودیت کرده و با نوشتن اسامی نمایندگانشان و چرخاندن نامه در

جمع کارگران و امضا گذاشتن بر زیر آن نامه، رسماً تشکیل سندیکایی خود را اعلام داشتند.

با این کار بود که کارگران نیشکر هفت تپه نشان دادند که ایجاد تشکل کارگری امر خود کارگران است و در مقابل بخش های مختلف کارگری، کارگران ایران خود، کارگران نفت، کارگران کیان تایر و کارخانجات مختلف در سراسر ایران راه نشان دادند که تنها با زور و قدرت متحد خودشان است که میتوانند متشکل شوند و تشکل خود را بر دولت و کارفرما تحمیل کنند. به عبارت روشنتر ایجاد سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به قدرت اعتصاب وسیع و گسترده آنها، به قدرت تجمعات چند هزاره نفره آنها و به قدرت اتحاد وسیع کارگران و جلب حمایت وسیع جامعه توانست شکل گیرد و امروز نیز ادامه کاری و تداوم کار این تشکل تنها و تنها با اتکا به همین قدرت و در میدان نگاهداشتن صف متحد کارگران از طریق تشکیل منظم مجمع عمومی این تشکل و متکی شدن آن به اعمال اراده مستقیم کارگران نیشکر هفت تپه ممکن خواهد بود.

**نقش چشمگیر خانواده های کارگران نیشکر هفت تپه**

یک نقطه قوت مهم مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه، حضور چشمگیر خانواده های کارگران در این حرکت و اعتراض است. تعدادی از خانواده های کارگران در صف جلو تظاهرات ها و راهپیمایی ها حرکت کردند. به مقابل کارخانه رفتند و این بار این خانواده ها بودند که کارگران را به بیرون از کارخانه فراخواندند و در خیابانهای هفت تپه راهپیمایی کردند و نقش فعالی در تجمع چند هزار نفره روز ۲۹ خرداد و جلب حمایت وسیع مردم هفت تپه از این حرکت و اعتراض داشتند. حضور چشمگیر خانواده های کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراضات کارگران این کارخانه، نشان داد که خانواده ها چه نقش مهمی در

کشاندن اعتراض به سطح جامعه و تبدیل حرکت به حرکتی گسترده و توده ای دارند. نیرویی که خود کارگران نیشکر هفت تپه نیز باید بیشتر از این به آن اتکا کنند.

**هفته گذشته هفت تجمعات هزاران نفره کارگران نیشکر هفت تپه**

در هفته ای که گذشت ما شاهد تجمعات هزاران نفره کارگران نیشکر هفت تپه بودیم. نقطه اوج آن روز ۲۹ خرداد بود. ۴۵۰۰ کارگر این کارخانه به همراه تعدادی از خانواده های کارگران بطرف بازار هفت تپه براه افتادند و با پیوستن مردم بیشتر به صف کارگران تجمعی هشت هزار نفره در سه راهی اندیشگ - اهواز بر پا شد و بیش از ۳۰ کیلومتر جاده بین المللی مسدود شد و رفت و آمد ماشین ها بند آمد و همه جا با خوشحالی از اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه سخن در میان بود. کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت تجمع بزرگشان توانستند جلوی هر گونه تحرکی را از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی بگیرند و متحدانه بر روی خواستهایشان پای بشارند.

**دستمزدها باید فوراً افزایش یابد**

یک نقطه قوت مهم اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بیان روشن و شفاف خواستهایشان است. کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به تعویق دستمزدهایشان به اعتراض برخاستند، اما در این مبارزات بدرست بر امر تشکل و کوتاه شدن دست حراست و دیگر خواستهایشان تاکید کردند. باید خواست افزایش دستمزدها را به این لیست اضافه کرد. بویژه در شرایطی که گرانی بیداد میکند. در شرایطی که قیمت ها هر روز افزایش بیشتری می یابد. در شرایطی که رشد تورم به یک موضوع مهم در کل جامعه تبدیل شده است، طرح خواست افزایش دستمزدها یک اقدام فوری برای همه کارگران است.

واقعیت اینست که کارگران نیشکر هفت تپه با طرح شعار

زندگی معیشت حق مسلم ماست، در واقع اعتراض خود را به وضع فلاکتبار امروز اعلام داشتند، اما تعویق دستمزدها و وضعیت نامعلوم این شرکت، عملاً طرح مستقیم افزایش دستمزدها را از جانب این کارگران به حاشیه برده است. حال آنکه به نظر من کارگران نیشکر هفت تپه همانطور که توانستند تشکل خود را تشکیل و تحمیل کنند؛ امروز میتوانند با اتکا به تشکلشان و با اتکا به قدرت متحد خود در تقابل با این گرانی و تورمی که وجود دارد، خواهان افزایش فوری دستمزدهایشان بشوند و اعلام کنند که نه تنها خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود هستند، بلکه باید دستمزدهایشان افزایش یابد. بگویند که حاضر نیستند زیر خط فقر زندگی کنند و حداقل دستمزد نباید از یک میلیون و یا یک میلیون و پانصد کمتر باشد. بگویند که در قبال این گرانی موجود، دولت مسئول است و باید برای کالاهای اساسی سوبسید بپردازد. باید برای تامین هزینه مسکن تسهیلات لازم فراهم شود. طرح خواست افزایش دستمزد یک گام مهم دیگر در پیشروی کارگران نیشکر هفت تپه است که برداشتن این گام بطور واقعی آنها را در نقد کردن طلبهایشان نیز در موقعیت قدرتمند تری قرار خواهد داد.

**اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه شایسته و سיעترین حمایت هاست**

کارگران نیشکر هفت تپه خواهان ۵ ماه دستمزد پرداخت نشده خود هستند. کارگران نیشکر هفت تپه خواهان اخراج زبیداری رئیس حراست کارخانه و شفیعی مدیر عامل شرکت هستند. کارگران نیشکر هفت تپه خواهان خاتمه دادن به احضارها و لغو پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری و رهبران اعتراضاتشان هستند. کارگران نیشکر هفت تپه با مارش با شکوه اعتراضی شان در خیابانهای شوش خواهان آزادی کارگران زندانی شدند. خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه خواستهای همه کارگران و همه جامعه است. زندگی معیشت حق مسلم ماست جوهر و چکیده خواستهای مهم کارگران نیشکر هفت تپه است. جوهر و چکیده

خواسته های کل جامعه است. آنها در شرایطی که تورم و گرانی بیداد میکند. کارگران نیشکر هفت تپه با این شعار در پیشاپیش صف اعتراض جامعه علیه گرانی و فقر و فلاکت به حرکت افتاده اند. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه شایسته و سיעترین حمایت هاست.

یک ماه و نیم اعتصاب و مبارزه با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه، امروز این اعتراضات را به سنگر مهمی برای جنبش کارگری و جنبش اعتراضی کل جامعه تبدیل کرده است. باید با تمام قوا و به هر شکل که میتوانیم از این سنگر مهم مبارزه حمایت و پشتیبانی کنیم. یک مشکل جدی که حرکت اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه را تهدید میکند، مشکل مالی است. باید با گذاشتن صندوق های همستگی مالی به این کارگران کمک رساند. باید با تشکیل گروههای همبستگی در دانشگاه ها و گذاشتن میزهای اطلاعاتی و جمع کردن کمک برای این کارگران به این مبارزات کمک برسانیم. باید با اعزام هیات های همبستگی و دادن نامه های حمایتی خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه را مورد حمایت قرار دهیم. باید با اعتصابات حمایتی، اعتصابات حتی یک روزه و یکساعته حمایت و پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کنیم. خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه خواسته های کل جامعه است باید از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه حمایت و پشتیبانی کنیم.

**کانال جدید کانال کارگران نیشکر هفت تپه است**

این سخن من تنها نیست. این سخن دوست کارگران از نیشکر هفت تپه است. من میخواهم بر اهمیت این سخن تاکید کنم. کانال جدید کانال انعکاس اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه و همه کارگران و کل جامعه است. این تریبون را در خدمت انعکاس صدای اعتراضات در سطح جامعه و در سطح جهانی قرار دهید. کانال جدید صدای انسانیت و آزادیخواهی است. به این صدا بپونید.\*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

## دعوا بر سر نوگری (پا روی دم شیر گذاشتن)

یاشار سهندی

"خانها و آقایان"، دوباره به خودمان جرات داده ایم و می‌خواهیم با دم شیر که جناب شهرام همایون باشد بازی کنیم. خدا آخر و عاقبت ما را به ختم خیر گرداند، دست به کارهای خطرناکی داریم می‌زنیم. آقای شهرام همایون سالیان درازی است که هستند و همانطور که مستحضر هستیید این "درد وطن" است که باعث شده است که باشند. اما سواي آن "نوکر مردم" بودن از جمله دلایلی است که سخت موثر بوده که باشند. خب باشند، جای کسی را که تنگ نکرده اند، اینهمه مردم نوکر دارند ایشان هم یکی از آنها. اما فعلا يك عدد "نوکر مردم" داریم که با خود امام موعود رابطه دارند و با مدیریت ایشان امور مملکت را می‌چرخانند و در جهت نوکری مردم "رایحه خوش خدمت" از خودشان می‌پراکنند و در همین جهت دستور دادند که در دواير دولتی "نوگری به مردم موج بزنند" و این بخصوص در نیروی انتظامی مشهود است که با باتوم زدن بر فرق زنان و کارگران گرسنه نوکری خودشان و دولت امام زمان را ثابت می‌کنند.

اما ازفروتنی جناب شهرام همایون هر چه بگویم کم گفتیم، همینقدر یادآور شوم که می‌توانند یکشنبه پول پارو کنند اما نمی‌کنند و افتخار شان "پرچم فروشی" است؛ همان پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان به اضافه يك شمشیر بران. این پرچم در نزد ایشان بسیار بسیار عزیز میباشد حتی از فرزند، که به جای قسم به جان فرزند به پرچم "سه رنگ زیبا" سوگند می‌خورند که همگان باور کنند که دروغ تو کارشان نیست. ایشان جلیدا تاکید میکنند "ما هستيم" و برای اینکه ثابت شود ثابت قدم نیز هستند حاضرند خاک "امارات ۳۷ ساله چالغوز" را به توبه کشند تا دوباره هوس نکند که نام خلیج را بدزد یا چشم طمع به خاک پاک ایران بانو داشته باشد. دست آقای "پالیزدار" را می‌بوسند که شجاعت بخرچ داده اند و پسته برخی از روحانیون معظم را روی آب ریختند. البته توجه داشته باشید

کند و سر در پی آدم بگذارد و آخر سر هم يك ضربه مهمات کند. کم آدم پیدا میشود که اینجور دست و دل باز باشد. برای همین است که سعید قائم مقامی به بینندگان خودش یادآور میشود که باید از "بچه های سپاه" حمایت کرد. ایشان می‌خواهند نوکری مردم را بکنند؛ آخر نه این است که نوکری شان در این ۳۰ ساله ثابت نشده، این است که جناب قائم مقامی وعده حمایت سپاه از مردم را میدهند. و بنابر این انتظار دارند وقتی کسی با ایشان تماس می‌گیرد توجه داشته باشد که تو بچه های سپاه آدم باحال زیاد پیدا میشود.

بقول ابوی بنده، آدم نوکر هم میشود نوکر آقا بشود نه گدا! خطایش به من بود که فکر میکرد من شدم نوکر روسها!! پدرم راست میگفت که اگر قرار بر نوکری باشد باید نوکر آقا بود نه گدا. با نوکری گدا چیزی دستگیر آدم نمیشود. اگر چیزی داشت که گدا نمیشد. باید نوکر کسی شد که دستش به دهانش برسد. آقای همایون این چند وقت اخیر خیلی خودش را از ته پیراهن در می آورد که ثابت کند ایشان هم هست و باید به بازی گرفته شود. ایشان سخت عصبانی است که ارباب ایشان را پس زده است و تربیون در اختیار دو خردادی های سابق مثل سازگار می‌گذارد. و برای اینکه ثابت کند "ماهستيم" به پرچم مقدس شیرو خورشید نشان سوگند می‌خورد که دو نماینده مجلس و يك كرور سرهنگ نیروی انتظامی و کلی بچه های سپاه با ایشان تماس گرفتند و گفتند ما هستيم. و قرار است همین روزها يك آس رو کند که به ایشان پناه برده است. ایشان که از دست رقیبان در نوکری دلخور هستند کشف تاریخی شان را رو کردند: که این بخشی از ساواک بود که انقلاب را سازمان داد!! نه تنها دروغ حناق نیست که حرف مفت هم حناق نیست که بیخ گلوی آدم را بگیرد. شاید هم پر بیراه نگفته باشند اگر منظورشان این بوده باشد که ساواکی ها از سال ۶۰ به بعد به خدمت فراخوانده شدند تا ضد انقلاب را بهتر سازمان دهند برای همین هم برخی از رده بالای های ساواک خود به دست بوسی رفسنجانی رفتند. باور ندارید، میتوانید به خاطرات

رفسنجانی مراجعه کنید. و فردا ایشان هم با كمك بخشی از بچه های اطلاعات و سپاه و نیروی انتظامی و ارتش دولت را در اختیار می‌گیرند و دمار هر چه انقلابی هست درمی آورند و يك دولت متعارف درست و حسابی تحویل بورژوازی میدهند.

ایشان تاکید دارند اصلا در پی براندازی نیستند و فقط می‌خواهند از سرهنگ تمامها حمایت کنند. مساله ثابت کردن نوکری است. نوکری مردم آس و پاس که خیری به کسی نمیرساند. جیب مردم خالی است و اگر قرار باشد به خیابان بیايند آنوقت ممکن است که رشته کار را خود دست بگیرند. مگر انسان عاقل که ادعای نوکری دارد اختیارش را دست پایتی ها میدهد. شاید يك وقت دیدی آن پایتی ها احساس کردند که خودشان میتواند آقای خوشان باشند و به نوکر هم احتیاج ندارند و اصلا خواستند بساط نوکری و آقای را براندازند، آنوقت چه؟ آدم عاقل باید همه جوانب کار را بسنجد برای همین آقای همایون هشدار میدهد که: هر کس مرگ بر مثلا خامنه ای گفت از ما نیست که بماند خود اطلاعاتی های رژیم هستند. ما کارمان براندازی نیست اصلا در پی براندازی نیستيم می‌خواهيم قدرت را به درجه روی شانه نیروی انتظامی برگردانيم. این یعنی اینکه به سرهنگ تمام ها پیغام دادند که هر که شعار سرنگونی داد بزیند و همچین محکم بزیند که طرف راه خانه اش را گم کند. بهر حال بی دلیل نیست آن شیر نر با دهان باز و آماده درین به تماشا گران خیره شده است. معنایش این است که مردمی که قرار بود نوکری شان را کرد اگر حرف بزنند روزگارشان را به كمك همین سرهنگ تمامهای سپاه سپاه می‌کنيم. بلا بدور باشد، فردای روزی که قدرت دست ایشان بیفتد این "سربازان فداکار ایران بانو" که "هشت سال از ناموس این مملکت دفاع کردند" اینبار با يك نام پارسی سازمان خواهند یافت و قدرت به سردوشی ایشان نه تنها باز خواهد گشت بلکه دوبرابر هم خواهد شد و آنوقت است که باید گفت واقعا آخر و عاقبت ما را به ختم خیر کند اگر اینها آقای مردم شوند.\*

**کمک مالی به حزب**  
جمشید هادیان ۲۳۵ دلار

**تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:**

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

**شماره حساب ها:**

**انگلیسی:**

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

**سوئد:**

پست جیرو 3-60 639 60  
صاحب حساب IKK

**آلمان:**

Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با

**شماره تلفن**

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم نقاضا می‌کنيم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

## در تجمع امروز ۸۰۰۰ نفر شرکت کردند مردم هفت تپه به کارگران پیوستند چهل و پنجمین روز اعتصاب بزرگ کارگر نیشکر هفت تپه

امروز چهارشنبه ۲۹ خرداد مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه ابعاد وسیعتری بخود گرفت. حضور خانواده‌ها چشمگیرتر بود و هزاران نفر از مردم نیز به صف کارگران پیوستند. از ساعت ۸ و نیم صبح حدود ۴۵۰۰ کارگر و پرسنل هفت تپه در مقابل دفتر مدیریت در کارخانه جمع شدند و منتظر حضور فرماندار شوش و توضیحات او شدند. دیروز فرماندار خواسته بود در تجمع آنها در جاده اهواز اندیمشک شرکت کند اما کارگران آنرا نپذیرفتند و اعلام کردند که اگر فرماندار حرفی دارد به کارخانه

بیاید. اما از فرماندار خبری نشد و کارگران تصمیم به راهپیمایی و کشاندن اعتراض خود به شهر گرفتند. همزمان حدود صدنفر از همسران و اعضای خانواده‌های کارگران در مقابل کارخانه حضور داشتند و همراه با کارگران شروع به راهپیمایی بطرف سه راهی هفت تپه کردند. کارگران شعار میدادند: معیشت زندگی حق مسلم ماست، کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم، کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد، مرگ بر ساعدی (نماینده مجلس اسلامی در شوش)، مرگ بر

نفر نیروی انتظامی به محل آمدند بودند که کارگران را عقب برانند. کارگران نیز تصمیم به مقابله گرفته بودند. نیروهای انتظامی کارگران را محاصره کرده بودند اما تعدادی از کارگران و مردم دور آنها را گرفتند. نیروهای انتظامی که شاهد این روحیه در میان کارگران و مردم خشمگین هفت تپه بودند، موفق به کاری نشدند. این تجمع از ساعت ۹ تا ۱۱ و نیم صبح طول کشید. کارگران تاکید کردند فردا دوباره در محل کارخانه جمع خواهند شد و تارسیدن به خواسته‌هایشان به اعتصاب و تجمعات خود ادامه خواهند داد. کارگران هفت تپه ۵ ماه است حقوق نگرفته‌اند.

امروز همچنین ۲۰۰۰ کارگر کاغذسازی پارس که همجوار هفت تپه است، اعتصاب خود را در اعتراض به نپرداختن دو ماه حقوق شروع کردند. (بعدا مطلع شدیم که امروز ششمین روز اعتصاب

کارگری در سراسر کشور راه نشان دادند. همسران کارگران و سایر اعضای خانواده کارگران حق دارند در تجمعات کارگران و مجمع عمومی آنها در درون کارخانه شرکت کنند و در جریان کلیه تصمیمات کارفرمایان و رهبران کارگران و تصمیمات مجمع عمومی کارگران قرار داشته باشند و دخالت و اظهار نظر کنند. حزب کمونیست کارگری خانواده کارگران در سراسر کشور را فرامیخواند که فعالانه دوش به دوش کارگران شاغل در کارخانه‌ها به میدان بیایند و تجمعات و مبارزات کارگران را قدرتمندتر کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۹ ژوئن ۲۰۰۸، ۳۰ خرداد ۱۳۸۷

## کارگران زیوداری رئیس حراست را از کارخانه بیرون انداختند بیست نفر از همسران کارگران در تجمع کارگران در داخل کارخانه شرکت داشتند کارگران کاغذسازی پارس به اعتصاب ادامه میدهند چهل و ششمین روز اعتصاب بزرگ کارگر نیشکر هفت تپه

امروز پنجشنبه ۳۰ خرداد کارگران نیشکر هفت تپه دست به اقدام مهمی زدند و یکی از خواسته‌های خود را که اخراج زیوداری مسئول حراست و یکی از مهره‌های وزارت اطلاعات در درون کارخانه بود، عملی کردند. کارگران گوش زیوداری از عوامل لو دادن و سرکوب کارگران را گرفتند و از کارخانه بیرون انداختند.

از ساعت ۸ و نیم صبح بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران در کارخانه تجمع کردند و اعلام کردند تا تحقق کلیه خواسته‌های خود به مبارزه ادامه خواهند داد. حدود بیست نفر از همسران و اعضای خانواده‌های کارگران نیز برای اولین بار به درون کارخانه آمدند و دوش به دوش کارگران در تجمع امروز شرکت کردند. مدتی است که مدیران و معاونین کارخانه خود را مخفی کرده‌اند، اما امروز سر و کله زیوداری در کارخانه پیدا شد و کارگران دفتر حراست را محاصره کردند و با شعار مرگ بر زیوداری خواهان اخراج فوری او شدند. زیوداری در دفتر را از پشت قفل کرده بود. کارگران در دفتر را شکستند و او را که در توالی مخفی شده بود بیرون کشیدند و از کارخانه

بیرون انداختند. مسئولین نیروی انتظامی تحت فشار کارگران اعلام کردند که زیوداری دیگر به کارخانه نخواهد آمد و بدین ترتیب کارگران به نیروی متعهد خود یکی از خواسته‌های خود را عملی کردند. کارگران به اخراج زیوداری قانع نشده و خواهان منحل کردن حراست کارخانه هستند.

در تجمع امروز، کارگران از جمله شعار میدادند: معیشت زندگی حق مسلم ماست، حقوق ماهیانه حق مسلم ما است، کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد، شفیعی چیا کن هفت تپه را رها کن.

لازم به توضیح است که کارگران کاغذسازی پارس نیز امروز وارد هفتمین روز اعتصاب خود شدند. حزب کمونیست کارگری به همسران و اعضای خانواده کارگران نیشکر درود میفرستد و اقدام آنها را الگوی مهمی برای کل طبقه کارگر میدانند. اعضای خانواده‌های کارگران نیشکر در هفته‌های گذشته نقش مهمی در گسترش و تقویت مبارزه کارگران نیشکر داشته و ابعاد تازه‌ای به مبارزه کارگران داده‌اند. آنها پیشقراول یک سنت بسیار مهم و تعیین کننده در جنبش کارگری در ایران شدند و به سایر خانواده‌های

## تجمع اعتراضی کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران کارگران التیماتوم دادند که باز هم تجمع خواهند کرد

بیش از ۱۲۰۰ کارگر کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران صبح امروز دوشنبه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات معوقه خود و وضعیت نامعلوم کارخانه با تجمع اعتراضی در مقابل استانداری فارس، مسئولان دولتی را غافلگیر کردند. کارگران تا ظهر امروز به تجمع خود ادامه دادند و اعلام کردند که چنانچه تا فردا مطالبات آنها پرداخت نشود، دوباره دست به تجمع خواهند زد.

بنا به این خبر، این کارخانه از سال گذشته تاکنون به دلالی که برای کارگران نامعلوم است، تعطیل شده و به گفته کارگران کارفرما قصد تعطیلی آنرا دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ ژوئن ۲۰۰۸، ۲۷ خرداد ۱۳۸۷

## دو نفر از کارگران نیشکر هفت تپه بر اثر سگته جان باختند

در سراسر کشور هستند. مراسم گرامی داشت کارگران جانباخته باید هرچه باشکوه تر برگزار شود و به محل تجمع همه کارگران و اعضای خانواده های آنها، و مردم آزادیخواه شوش و هفت تپه تبدیل شود.

گرامی باد یاد کارگران جانباخته حسن رضوی و حسین پورمحمدی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ ژوئن ۲۰۰۸، ۲۷ خرداد ۱۳۸۷

آن هستند، کارگران متحد و یکپارچه و با عزمی راسخ به مبارزه خود ادامه میدهند و امروز همانطور که در اطلاعیه دیگری اطلاع دادیم سندیکیای خود را تشکیل دادند و همراه با خانواده های خود دست به راهپیمائی زدند.  
کارگران نیشکر هفت تپه شایسته گرمترین حمایت مردم

اجتماعی در میان آنها شده است. حسن رضوی و حسین پورمحمدی قربانی مستقیم وضعیت اسفباری هستند که جنایتکاران جمهوری اسلامی همراه با گله اوپاش انتظامی و اطلاعاتی و حراستی و غیره بر کارگران تحمیل کرده اند. علیرغم این شرایط دهشتناک که کارفرمایان و جمهوری اسلامی مسئول مستقیم

صمیمانه جانباختن حسن رضوی و حسین پورمحمدی را به خانواده ها و دوستان آنها و کلیه کارگران این کارخانه تسلیت میگوید. فقر مطلق ناشی از دستمزدهای پائین و عدم پرداخت آن، فشار غیرقابل توصیفی به هزاران کارگر نیشکر و نزدیک به ۲۰ هزار اعضای خانواده آنها وارد کرده است و منجر به انواع بیماری جسمی و روحی و مشکلات متعدد

طی خبری که یکی از کارگران هفت تپه به ما گزارش کرده است، متأسفانه امروز دو نفر از کارگران نیشکر هفت تپه در اثر فشارهای شدید اقتصادی و روحی، سگته کردند و جان باختند. کارگران جانباخته عبارتند از: حسین پورمحمدی و حسن رضوی ۳۶ ساله.  
حزب کمونیست کارگری

## کارگران نیشکر هفت تپه سندیکیای خود را تشکیل دادند کارگران و خانواده هایشان دست به راهپیمائی زدند

تپه تبریک میگوئیم و برای آنها آرزوی موفقیت میکنیم. حضور متحد و قدرتمند توده وسیع کارگران در اعتراضات، به کارگران امکان داد که سندیکیای خود را تشکیل دهند و شرط موفقیت سندیکیا نیز اتکا بر توده کارگران و مجمع عمومی توده کارگران است. حزب کارگران سراسر کشور، دانشجویان و همه مردم آزادیخواه و بویژه جوانان و مردم شوش را به حمایت فعال و همه جانبه از کارگران نیشکر هفت تپه فرامیخواند.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ ژوئن ۲۰۰۸، ۲۷ خرداد ۱۳۸۷

کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم، معیشت زندگی حق مسلم ماست، این بچه گرسنه وعده سرش نمیشه. کارگران بطرف بازارچه هفت تپه راهپیمائی کردند و در ساعت ده و نیم صبح با رسیدن به پایگاه نظامی هفت تپه به راهپیمائی خود پایان دادند. کارگران اعلام کردند چنانچه به خواسته های آنها پاسخ داده نشود فردا نیز دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. کارگران پنج ماه حقوق طلبکارند.  
ما تشکیل سندیکیای کارگران نیشکر هفت تپه را به کارگران هفت

محمد حیدری مصر، رمضای علیپور، نجات دهلی و علی شریفی. یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی از مدتهای قبل برای تعدادی از این کارگران پرونده سازی کرده و آنها را به جرم دفاع از حقوق کارگران محاکمه کرده است.  
امروز خانواده های کارگران نیز دست به ابتکار بسیار جالبی زدند و بدنبال تشکیل سندیکیا، دهها نفر از آنان در محلی در نزدیک کارخانه حضور یافتند و دو هزار کارگر حاضر در کارخانه به آنها ملحق شدند و دسته جمعی دست به راهپیمائی زدند و شعار دادند:

بدینترتیب کارگران از امروز صاحب سندیکیای خود شدند. فرماندار شهر قبلا به کارگران گفته بود که در صورتی با تشکیل سندیکیا موافقت میکند که مسئولین سندیکیا را خود فرمانداری انتصاب کند! کارگران جواب داده بودند تشکلی که دیگران بویژه دولت نمایندگانانش را انتخاب کند تشکلی کارگری نیست.  
اعضای هیئت موسس سندیکیای کارگران نیشکر عبارتند از: فریدون نیکوفر، جلیل احمدی، علی نجاتی، رحیم بساق،

**چهل و سومین روز اعتصاب:**  
امروز ۲۷ خرداد، کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند و خواسته های خود را پیگیری کردند. در این تجمع کارگران همچنین در مورد ضرورت ایجاد تشکل صحبت کردند و متنی در مورد تشکیل سندیکیا و اعضای هیئت موسس آن در میان کارگران توزیع کردند و کارگران با امضا یا اثر انگشت تشکیل سندیکیا و موسسین آنرا تصویب کردند. حدود ۲۰۰۰ نفر در تجمع امروز و رای گیری در مورد سندیکیا و هیئت موسس آن شرکت داشتند و

## جوانمیر مرادی و طاها آزادی آزاد شدند



و طاها آزادی را شدیداً محکوم میکند و آزادی آنها را به اتحادیه آزاد کارگران ایران، به کارگران و مردم شریف و آزادیخواه و به ویژه به خانواده عزیز آنها و فوزیه خالصی همسر جوانمیر صمیمانه تبریک میگوید. فعالین کارگری و کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند و وثیقه های سنگینی که علیه فعالین کارگری در شهرهای مختلف، علیه دانشجویان و معلمان و فعالین حقوق زن تعیین شده است باید تماماً ملغی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۷ خرداد ۱۳۸۷، ۱۶ ژوئن ۲۰۰۸

کارگران ایران، جمع آوری امضا برای افزایش دستمزدها، نوشتن مطلب در بولتن شورا و پخش آن در مراکز کارگری" به آنان نسبت داده شد. قفسه سینه جوانمیر زیر شکنجه دچار آسیب های جدید شده و یک دندان طاها آزادی نیز شکسته است. جمهوری اسلامی از تحویل داروهای جوانمیر به او در طول دوره بازداشتش نیز خودداری کرد و حتی فوزیه خالصی همسر او را که با روحیه ای رزمنده برای آزادی جوانمیر، ملاقات با او و تحویل داروهای او تلاش میکرد، مورد انواع توهین و بیحرمتی قرار داد.

حزب کمونیست کارگری شکنجه و تهدید و وثیقه برای جوانمیر مرادی

امروز ۲۷ خرداد ماه طبق خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، جوانمیر مرادی و طاها آزادی از فعالین کارگری و از فعالین اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از ۴۷ روز بازداشت و با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی آزاد شدند.

جوانمیر و طاها روز اول ماه مه در عسلویه به جرم برگزاری اول مه دستگیر شدند، در اطلاعات عسلویه، اداره اطلاعات و زندان بوشهر مجبوس شدند، مورد شکنجه و توهین و تهدید و بیحرمتی قرار گرفتند و طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران، اتهامات مختلفی از جمله "فعالیت تبلیغاتی علیه نظام از طریق عضویت در اتحادیه آزاد

**اساس سوسیالیسم انسان است.**

**سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن اختیار  
به انسان است.**

## کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده هایشان جاده اهواز اندیشک را بستند

### جمهوری اسلامی مانع پیوستن کارگران کاغذسازی به کارگران نیشکر شد

#### چهل و چهارمین روز اعتصاب بزرگ هزاران کارگر نیشکر هفت تپه

وزارت نیرو قطع شده و دو ماه حقوق این کارگران پرداخت نشده است. امروز همچنین در میان کارگران بحث از مبارزات دانشجویی و ضرورت حمایت از آن بود.

حزب کمونیست کارگری اقدام کارگران کاغذسازی پارس را ارج مینهد و از سایر مراکز کارگری در منطقه میخواهد دست به اقدامات مشابهی بزنند. مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه شایسته گرمترین حمایت مردم در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ ژوئن ۲۰۰۸، ۲۸ خرداد ۱۳۸۷

نیشکر به آنها پیوستند و دست به راهپیمایی زدند. حضور همسران کارگران جلوه تازه ای به این مبارزه داده و هرچه بیشتر آنرا به یک مبارزه اجتماعی تبدیل کرده است.

امروز کارگران کارخانه کاغذسازی پارس که از کارخانجات همجوار نیشکر هفت تپه است، به قصد پیوستن و حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه قصد خروج از کارخانه را داشتند که از طرف مدیریت و نیروی انتظامی ممانعت شد. بنا به گزارش ۴ روز است که برق کارخانه کاغذسازی پارس توسط

مبانی بر اینکه اگر معیشت نباشد انسان به تباهی کشیده میشود و این ریشه همه فسادهای اجتماعی است. در حالیکه جاده بسته شده بود به کارگران خبر داده شد که فرماندار به آنجا خواهد بود تا با کارگران صحبت کند اما کارگران نپذیرفتند و اعلام کردند که فرماندار میتواند فردا در کارخانه در جمع ما حاضر شود تا ببینیم صحبتش چیست. لازم به یادآوری است که روز گذشته نیز دهها نفر از همسران و اعضای خانواده های کارگران نیشکر به نزدیک کارخانه آمدند و کارگران

پیدا کرد. از سر سه راهی تا عبدالخان، الوان شهر که حدود ۳۰ کیلومتر است تماما ترافیک بود و راه بسته شده بود. نیروی انتظامی جرات هیچ تحرکی نداشت و کاملا نظاره گر بود.

در تجمع امروز خانواده ها پیشقدم بستن جاده بودند و پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: معیشت زندگی حق مسلم ماست، کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد. بر روی پارچه بزرگ سفید رنگی نیز که همراه کارگران بود، متنی نوشته شده بود

از صبح امروز سه شنبه ۲۸ خرداد ۲۰۰۸ کارگر نیشکر هفت تپه در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. همزمان در ساعت هشت صبح تعدادی از خانواده های کارگران به مقابل کارخانه آمدند و سپس به اتفاق کارگران بطرف سه راه ورودی هفت تپه حرکت کردند و از ساعت هشت و نیم صبح تا یازده و نیم بمدت سه ساعت جاده اهواز اندیشک را که جاده ای بین المللی است مسدود کردند. این اقدام کارگران موجب راه بندان سنگینی شد و انعکاس وسیعی در منطقه

## ۲۴ کارگر دستگیر شده کوره پزخانه های ارومیه آزاد شدند

### کارگران به اعتصاب خود پایان دادند

اعتصابی را وادار به پایان دادن به اعتصاب کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ ژوئن ۲۰۰۸، ۲۸ خرداد ۱۳۸۷

از کارفرمایان در محیط کار و زندگی کارگران مستقر شده و مدام به تهدید کارگران و فعالین آنها پرداختند و با دستگیری رهبران اعتصاب، بین ۳ تا ۴ هزار کارگر

فقدان تسهیلات بهداشتی و خدمات اجتماعی، در دسترس نبودن مایحتاج اولیه زندگی و همچنین تقاضای وسائل کار صورت گرفت اما نیروهای انتظامی بدفاع آشکار

تهدیدات مکرر کارگران، باعث شد که کارگران دست از اعتصاب سه هفته ای خود بکشند و کار را از سر گیرند. اعتصاب کارگران در اعتراض به سطح پائین دستمزد،

۲۴ نفر از رهبران اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ارومیه که روز ۲۵ خرداد دستگیر شده بودند، پس از ۲۴ ساعت آزاد شدند. فشارهای نیروهای سرکوب و کارفرمایان و

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)  
سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)  
نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)  
سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئولیت صفحه بندی انترناسیونال

به عهده آرش ناصری است.

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

[markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

دفتر مرکزی حزب

## جلسات گفتگو با حمید تقوائی

### در چت روم اینسپیک و پلتاک

### گفتار این هفته:

نقش حزب و حزبیّت در مبارزه بر سر قدرت سیاسی!

بحثی در مورد ضرورت و مطلوبیت حزب در جنبش سرنگونی طلبانه مردم

زمان: جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۸۷، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۸

ساعت ۳۰:۹ شب بوقت ایران،

۷ شب بوقت اروپای مرکزی، ۲ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

مکان: اطاق ایران - با حمید تقوائی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!